



حلق و تقصیر

احمد زمانی

سر تراشی (حلق) و کوتاه کردن مقداری از موی سر و یا گرفتن ناخن (تقصیر) در حج تمتع و عمره، از عباداتی است که مظهر و نشانهٔ خضوع و خشوع بنده در برابر خالق توانا و متعال است. خداوند - سبحان - بندگانی را که به میهمانی خود خوانده و آنها در جرگهٔ اطاعت او قدم نهاده‌اند و از بندگی غیرش (بتها، قدرتها، هوا و هواسها و...) گریخته‌اند و در بند اسارت عشق به الله به حالت احرام در آمده‌اند و به اعمالی همچون: طواف کعبه، سعی بین صفا و مروه، وقوف در عرفات و مشعرالحرام، رمی جمرات و قربانی پرداخته‌اند و خواسته‌اند بندگی و خضوع خالصانهٔ خود را به اثبات برسانند، در این هنگام خداوند - متان - از آنان می‌خواهد علامت بندگی و خشوع و تسلیم کامل؛ یعنی حلق در عمرهٔ مفرده و حج تمتع، و تقصیر در عمرهٔ تمتع را با شیوهٔ خاص به همراه قصد تقرب به او، برخورد ظاهر سازند و با این فریضهٔ الهی از احرام خارج گردند!

جد بزرگ ما حضرت آدم - علی نبینا و علیه السلام - از انجام این فریضه در حج خود کوتاهی نکرد، بلکه همانطور که امام محمد باقر - علیه السلام - فرمود:

خدای - سبحان - جبرئیل را به همراه یاقوتی از بهشت فرستاد، آنگاه سر آدم - علیه السلام - توسط خود او و یا جبرئیل تراشیده شد.^۲

حلق (سر تراشی) این سنت الهی، در دوران جاهلیت هم بجا آورده می شده و معتمرین هر گاه عمره خود را بجای می آوردند سرشان را نیز می تراشیدند.

در تاریخ آمده: در سریه عبدالله بن جحش اُسدی، او با همراهان خویش در قریه نخله فرود آمدند و جهت کسب اطلاع از کاروان قریش که حامل مویز و پوست و دیگر کالای تجارتي بود به کمین نشستند. روز آخر رجب بود که کاروان رسید. رجال قریش که اول بار از دیدن مسلمانان بیمناک شدند، با مشاهده نمودن عکاشة بن مخصن^۳ که سرتراشیده بود، آسوده خاطر شدند و به همدیگر گفتند: اینان برای انجام عمره آمده اند و از ایشان خطری متوجه ما نخواهد شد.^۴

قرآن کریم سرتراشی در حج را علامت ایمان میهمانان خانه خدا ذکر می کند، و در روایای صادق رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید:

«لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ».

«به طور قطع همه شما با اراده و مشیت خداوند و در نهایت آرامش و امنیت به مسجد الحرام داخل می شوید، در حالی که سرهای خود را تراشیده و ناخن و موهای خود را کوتاه نموده و از هیچ کس ترس و وحشت ندارید.»^۵

صاحب جواهر - ره - در وجوب سر تراشی در منا برای کسی که اولین بار موفق به انجام دادن حج می شود (و حاجی ضروره^۶ است)، به روایت سلیمان بن مهران استشهد می کند، و می گوید: سلیمان از امام صادق - علیه السلام - سؤال کرد: چرا حلق و سر تراشی بر ضروره واجب است نه بر دیگران؟

حضرت در جواب فرمود: «لِصِيرِ بِذَلِكَ مُوسِمًا بِسْمَةِ الْأَمْنِينَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -

لِيَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ»^۷.

«زیرا با عمل سر تراشی علامت ایمان را در خود ظاهر نموده است» (و سپس فرمود)

آیا نشنیده اید گفتار خداوند - عز و جل - را «لَتَدْخُلَنَّ...»^۸

در این روایت، حلق و سر تراشی در مناسک حج و یا عمره مفرده، علامت تسلیم و

بندگی در مقابل حضرت حق - جل و علا - شمرده شده است.

صاحب جواهر الکلام می فرماید: ظاهر این است که «وجوب» سر تراشی برای ضروره

اراده شده است؛ زیرا وجهی برای حمل آیه شریفه و این دسته از روایات بر «تأکید»، وجود ندارد. و مطلب دیگر: این که در روایت حسنه و صحیحه،^۱ کلمه «ینبغی» به معنای «سزاوار است»، وجود دارد که چه بسا از آن اراده وجوب شده است.^{۱۰}

صاحب مسالک الأفهام می گوید: کلمه «ینبغی» در روایات، دلالت و ظهور در استحباب دارد ولیکن مرحوم آیه الله محمد باقر شریف زاده، محشی آن کتاب می نویسد: بعد از تخییر در آیه شریفه: «أمنین محلّین رؤسکم و مقصرین...» و سه مرتبه دعای رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در سال بعد از حدیبیه - برای کسانی که در عمره مفرده سر تراشیدند - در عمره مفرده: «اللهم اغفر للمحلّین...» و یکمرتبه برای کسانی که ناخنها را گرفته و یا مقداری از موی سر را کوتاه کردند، و با توجه به روایات مربوط به «صروه»، چگونه می توان گفت کلمه «ینبغی» ظهور در استحباب دارد؟! بلکه باید گفت که در این روایات دلالت بر وجوب می کند.

بعلاوه این که: مفهوم «جملة شرطیه» در صحیح معاویه بن عمار، از امام صادق - علیه السلام - : «ینبغی للضرورة أن یحلق وإن کان قد حجّ فإن شاء فقصر وإن شاء حلق»^{۱۱} - وجوب حلق را برای صروه اثبات و تعیین می کند^{۱۲} و تخییر بین تقصیر و حلق را نفی می نماید. و وجوب تعیینی با تخییر سازگار نخواهد بود.^{۱۳}

روایات دیگری؛ مانند روایت ابی سعید، حلق را بر سه طایفه واجب می شمارد که در آن تصریح بر وجوب حلق برای صروه است.

عن ابی سعید، عن ابی عبد الله - علیه السلام - قال: «یجب الحلق علی ثلاثة نفر؛ رجل لبد، و رجل حجّ بدءاً و لم یحجّ قبلها، و رجل عقص رأسها».

«سر تراشیدن در منا بر سه گروه از مردان واجب است. ۱ - کسانی که موی سر خود را به غسل و یا صماغ و یا شی لزی آلوده می کنند. ۲ - کسانی که سال اول حج آنهاست و قبل از آن، حج بجا نیاورده اند، ۳ - افرادی که موهای خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده اند».^{۱۴}

پس در مجموع برای کسانی که اولین بار جهت حج بیت الله الحرام می روند سر تراشی واجب است و برای دیگر افراد از مردان که دومین بار حج آنها و یا بیشتر است مسلم سر تراشی افضل از تقصیر است.

امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «الحلق أفضل، لأن رسول الله - صلی الله علیه و آله و

سلم - حلق رأسه فی حجة الوداع، و فی عمره الحديبية».

سر تراشیدن فضلیتیش بیشتر است، زیرا پیغمبر خدا - ص - در حجة الوداع و در عمره مفرده‌ای که در حدیبیه بجا آوردند - سر مبارک را تراشید. ^{۱۵} همانطوری که مفصل آن خواهد آمد. و بالاتر این که در همه عمره‌ها و حج‌هایی که رسول خدا - ص - بجا آورد، نیامده است که به تقصیر تنها اکتفا کرده باشد اگر چه مباح بوده است.

برای خانمها به هیچ وجه جایز نیست سر خود را بتراشند زیرا رسول خدا - ص - از آن نهی نموده است ^{۱۶} و فقهای ما ادعای اجماع بر حرمت آن دارند؛ مانند علامه در مختلف و همچنین در منتهی و تحریر. ^{۱۷}

آنچه ذکر شد، مطابق با فتاوای بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی - ره - و آیه‌الله العظمی ارآکی - حفظه‌الله - است که در موارد سه‌گانه فوق، بنا بر احتیاط واجب حلق را لازم می‌دانند. ^{۱۸}

سر تراشی پیامبر اکرم - ص - در عمره مفرده

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - آن عبد صالح و برگزیده خدا، هنگامی که در سال بعد از صلح حدیبیه، عمره مفرده بجا آورد، در عمل پایانی عمره مفرده، با این که مخیر بین حلق و تقصیر بود تیغ را به دست خراش بن امیه خزاعی ^{۱۹} داد و او سر مبارک آن حضرت را تراشید.

امام صادق - علیه‌السلام - می‌فرماید: در همان روز رسول گرامی اسلام فرمود: «اللهم اغفر للمحلّین مَرّتين، قبل و للمقصرین یا رسول الله؟ قال: و للمقصرین»؛ یعنی دو مرتبه فرمود: بار خدایا پیامرز سر تراشیدگان را - گفته شد یا رسول الله. مقصرین چطور؟ سپس یک مرتبه برای مقصرین دعا کرد. ^{۲۰}

در حدیثی دیگر امام زین‌العابدین - علیه‌السلام - فرمود:

«استغفر رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - للمحلّین ثلاث مَرّات و للمقصرین مَرّة واحدة».

رسول خدا - ص - برای کسانی که سر تراشیدند سه مرتبه و برای کسانی که تقصیر کردند یک مرتبه طلب آمرزش و رحمت نمود. ^{۲۱}

شبهه روایت فوق با تعبیری دیگر از امام صادق - علیه‌السلام - نقل شده است:

سالم بن ابی فضل - ابی فصیل - خدمت امام صادق - علیه السلام - رسید و سپس

پرسید:

«دخلنا بعمره نقصر أو نحلق؟ فقال - عليه السلام - : احلق فإن رسول الله - صلى الله عليه و

آله - ترخّم على المحلقين ثلاث مرّات، و على المقصرين مرّة واحدة».

ما داخل در اعمال عمره مفرده شده ایم - در آخرین جزء اعمال عمره مفرده - تقصیر

کنیم و یا سر بتراشیم؟

حضرت در پاسخ فرمود: شما سر بتراشید؛ زیرا رسول خدا - ص - برای سر تراشیدگان

در اینجا سه مرتبه طلب رحمت نمود، و برای کسانی که به تقصیر اکتفا کردند، فقط یک مرتبه

مغفرت خواست.^{۲۲}

مضامین فوق در کتب اهل سنت مانند صحیح مسلم و بخاری نیز آمده است.^{۲۳}

سر تراشی پیغمبر اکرم - ص - در حجّة الوداع

رسول گرامی در سال دهم هجرت، با جمعی از یارانش، جهت انجام حج (حجّة الوداع)

به مکه معظمه آمدند، روز عید قربان در منا عده ای تقصیر کردند و عده ای دیگر همانند رسول

خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - سر تراشیدند.

معاویة بن عمّار می گوید: امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«... والذی حلق رأس النبی - صلی الله علیه و آله و سلم - فی حجّته معمر بن عبد الله، فقالت

قریش أي معمر: إذن رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - فی یدک و فی یدک الموسی،

فقال معمر: أي والله، إني لأعده فضلاً من الله عظيماً علي».

«کسی که سر مبارک پیغمبر گرامی - ص - را در حجّة الوداع تراشید، معمر بن عبد الله^{۲۴}

بود، در آن روز بعضی از افراد قبیله قریش که جهت بجا آوردن حج همراه آن حضرت

بودند، رو به معمر کرده گفتند: اینک رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - جهت

حلق، جلو تو نشسته است و تیغ بزّان نیز در دست تو است!»

معمر جواب داد: این اطمینان و امری که به من محوّل شده است، آن را فضل بزرگی

از ناحیه خدا بر خود می دانم.^{۲۵}

این روایت را شیخ صدوق - ره - در من لایحضره الفقیه و همچنین شیخ کلینی - ره -

در فروع کافی از معاویة بن عمار نقل نموده اند.

عبدالرحمن بن ابی عبدالله نیز از امام صادق - علیه السلام - نقل می‌کند که فرمود:
 «کان رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - يوم النحر يحلق رأسه و يقلم أظفاره و يأخذ من
 شاربته و من اطراف لحيته».

«هرگاه روز عید قربان می‌شد، رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - سر خود را می‌تراشید
 و ناخن‌هایش را می‌گرفت و سبیل‌ها و اطراف ریش مبارکش را کوتاه می‌نمود».^{۲۶}

جایگاه حلق یا تقصیر در اعمال منا

روز عید قربان بعد از رمی جمره عقبه و قربانی کردن، نوبت به تراشیدن سر یا تقصیر
 می‌رسد که اکثر فقها فتوا بر وجوب^{۲۷} رعایت ترتیب را می‌دهند. همانطور که در مختصرالنافع و
 قواعد الأحکام و مبسوط و استبصار آمده است. و اکثر آنها ابتدا استدلال می‌کنند به ظهور آیه
 شریفه:

«ولا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى محله».

«سرها را نتراشید تا این که قربانی به جای خود برسد؛ یعنی ذبح گردد».^{۲۸}

سپس استدلال می‌کنند به سیره و روایات صحیح موجود در باب، که بیانگر ترتیب
 فوق است^{۲۹} این ترتیب را بسیاری از علمای اهل سنت نیز لازم و واجب می‌دانند.
 با سر تراشی و یا تقصیر در عمره مفرده، حاجی از احرام خارج می‌گردد و همه
 محرمات احرام بر او حلال می‌شود و اما در حج تمتع پس از سر تراشی یا تقصیر جمیع
 محرمات غیر از بوی خوش و زن بر مرد، مرد بر زن - حلال می‌شود.^{۳۰}
 اما مصدود^{۳۱} و محصور^{۳۲}: جایز است با قربانی کردن و تقصیر نمودن، در هر جا که
 هست، خود را از احرام بیرون آورد. در این صورت جمیع محرمات بر او حلال می‌شود.^{۳۳}

چگونگی سر تراشی در منا

سر تراشی و تقصیر از اعمال عبادی است و قصد قربت در آن معتبر است، کسی که سر
 می‌تراشد - یا تقصیر می‌کند - سزاوار است اموری را مراعات کند:

- ۱ - مستحب است رو به قبله بنشیند.
- ۲ - نام خدا را بر زبان جاری کند.
- ۳ - تراشیدن سر را از جلو، سمت راست، آغاز کند و به پشت سر، برابر گوش سمت

راست، ختم نماید و سپس از جلو سر سمت چپ شروع کند و همانند سمت راست، به پشت سر به پایان برساند.

۴ - در حین تراشیدن سر به دعای مأثوره مشغول باشد؛ همانطور که امام باقر - علیه السلام - هنگام تراشیدن سر در منا، این کلمات را با خود زمزمه می نمود:

«اللّٰهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«بار خدایا در برابر هر مویی که تراشیده می شود، نوری را در روز قیامت به من عنایت فرما».^{۳۴}

و نیز در کتاب فقه الرضا از حضرت علی بن موسی الرضا - علیه السلام - نقل شده که فرمود:

«إذا أردت أن تحلق رأسك فاستقبل القبلة وابدأ بالناصية، واحلق إلى العظمين النابتين بحذاء الأذنين وقل: اللّٰهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۳۵}

«هنگامی که خواستی سر بتراشی رو به قبله بنشین و از جلو سر آغاز کن و ادامه بده تا روی دو استخوان پشت سر و مقابل گوش ها و با خود بگو: اللّٰهُمَّ...».

و همچنین گفته شده، در موقع سر تراشیدن سه بار تکبیر بگویند و این دعا را با خود بخوانید:

«اللّٰهُمَّ هذه ناصيتي بيدك فاجعل لي بكلّ شعرة نوراً يوم القيامة، واغفر لي ذنبي يا واسع المغفرة، والحمد لله على ما هدانا والحمد لله على ما أنعم به علينا».

و بعد از تراشیده شدن سر سه بار دیگر تکبیر بگویند و دعای ذیل را نیز بخوانید:

«الحمد لله الذي قضى عني نسكي، اللّٰهُمَّ اِنْتِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةً و امح عني بها سيئته و ارفع لي بها درجةً، واغفر لي و للمحلّقين و المقصرين و جميع المسلمين، اللّٰهُمَّ زدنا ايماناً و يقيناً و عوناً، و اغفر لنا و لأبائنا و أمهاتنا و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين».^{۳۶}

و نیز دعاهای دیگر... که به همین مقدار بسنده می کنیم.

چگونگی سر تراشی نزد اهل سنت

از اهل سنت نیز همانند آنچه گذشت، روایاتی وارد شده که یکی از آنها را در اینجا می آوریم:

عن أنس بن مالك، قال: «لما رمى رسول الله - صلى الله عليه [و آله] و سلم - الجمره و نحر

نسکه و حلق. ناول الحالق شقّه الأيمن فحلقة ثم دعا أبا طلحة الأنصاري فأعطاه إياه ثم ناوله الشقّ الأيسر فقال - ص - احلق فحلقة فأعطاه أبا طلحة فقال - ص - : أفسنهُ بين الناس».

رئیس فرقه مالکیه می‌گوید: «چون رسول خدا - ص - در سرزمین منا رمی جمره عقبه کرد و قربانی نمود، برای سرتراشی و حلق، قسمت راست سر را در اختیار سر تراش (حلاق) که گویا معمر بن عبدالله بوده است - گذاشت و او هم آن قسمت را تراشید و بعد اباطلحه انصاری را خواست و موها را در اختیار او گذاشت و به همان نحو سمت چپ را تراشید، آنگاه به فرمان پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - جهت تبرک، در میان مردم تقسیم کرد».^{۳۷}

۵ - موهای تراشیده شده در منا دفن شود.
سیره ائمه معصومین - علیهم السلام - این بوده که بعد از تراشیدن سر، موهای خود را در سرزمین منا در میان خیمه خود دفن می‌کردند.
روایات متعددی در این باب وجود دارد که فقهای ما بر اساس آن روایات فرموده‌اند: مستحب است حاجی موی سر خود را در منا، در خیمه خود دفن کند.^{۳۸}
ابوالبختری در روایتی از امام باقر و امام زین العابدین - علیهما السلام - نقل می‌کند که امام مجتبی و امام حسین - علیهما السلام - دستور می‌فرمودند: تا موهایشان را در منا دفن کنند.^{۳۹} و در کتاب شریف فقه الرضا آمده است: «وادن شعرك بمنی»؛ «موهای تراشیده شده‌ات را در منا دفن نما».^{۴۰}

در روایت دیگر، ابي شبل از امام صادق - علیه السلام - نقل می‌کند که فرمود:
«إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ بَمَنَى ثُمَّ دَفَنَهُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكُلَّ شَعْرَةَ لَهَا لِسَانٌ تَلْبِيءِي بِاسْمِ صَاحِبِهَا».

«آنگاه که مؤمن در منا سر خود را می‌تراشد و سپس دفن می‌کند، روز قیامت هر تار مویی برای او و به نام او تلبیه (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...) می‌گوید».^{۴۱}

و بهتر این است که حاجی بعد از حلق (سرتراشی) از اطراف ریش و شارب خود را گرفته و ناخن را کوتاه نماید و به مفاد بعضی روایات در ذیل آیه شریفه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْثَهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نَذْوَهُمْ...»^{۴۲} عمل کند مانند روایت احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از امام رضا



- علیه السلام - که فرمود:

«التفت؛ تقليم الأظفار و طرح الوسخ و طرح الإحرام عنه».

«تفت؛ یعنی گرفتن ناخنها و دور کردن کثافات و آنچه در مدت احرام از ناحیه محرمات احرام پیش آمده است».^{۴۳}

روایت فوق، در صدد بیان پاره‌ای از حکمت‌های حلق و تقصیر است و این‌گونه روایات بسیار است. که در پایان - همانند ابتدای بحث - باید گفت: حلق و روایات در این باب انسان را توجه به بندگی محض و اخلاص در مقابل پروردگار می‌دهد و می‌خواهد در پایان اعمال حج با علامت بردگی، بندگی خودش را در مقابل حضرت حق - جل و علا - اعلان نماید و از آلودگی‌های ظاهری و باطنی که نشانه غیر خداست، پاک گردد و چه زیبا است عبارتی که مرحوم فیض کاشانی در أسرار حج از امام صادق - علیه السلام - نقل می‌کند:

«إذا اردت الحج فجزد قلبك لله - تعالى - من كل شاغل و حجاب كل حجاب و فوض أمورك كلها إلى خالقك و توكل عليه في جميع ما تظهر من حركاتك و سكناتك... واحلق العيوب الظاهرة و الباطنة بحلق شعرك و ادخل في أمان الله و كنفه و ستره و كلاءته من متابعة مرادك بدخولك الحرم...».

«آنگاه که اراده و قصد رفتن به حج را نمودی، دل و قلبت را اختصاص به صاحب خانه ده و از هر چیزی که تو را مشغول به خود می‌کند و مانع از ارتباط بیشتر با حضرت حق می‌گردد باز دار؛ [زیرا] علاقه به او باید جلوگیری همه موانعی شود که انسان را از او باز می‌دارد. همه کارهایت را واگذار به آفریننده خود کن، و در همه حرکات و خیزشها و آرامش‌ها بر او تکیه و توکل نما...».

با تراشیدن موی سر خود (حلق) همه زشتیها و ناپاکیهای برون (ظاهری) و درون (داخلی) را از خود دورساز و سپس با دخول در حرم او به وادی امن و جوار رحمت و زیبایی‌های پنهان و ثمرات پربار پیروی حضرت حق - جل و علا - پای نه».^{۴۴}

پی‌نوشتها:

- ۱ - در پایان مقاله چگونگی خروج مصدود و محصور را از احرام بیان خواهیم کرد.
- ۲ - علی بن محمد العلوی قال: سألت ابا جعفر - علیه السلام - عن آدم حيث حج بما حلق رأسه؟ فقال: نزل عليه جبرائيل - علیه السلام - بياقوتة من الجنة، فأمرها على رأسه، فتناثر شعرة. فروع کافی، ج ۴، ص ۱۹۵ - الحج فی الكتاب و السنة، ص ۴۴۶ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۷۸، ح ۲.

۳ - عکاشه بن میخن از اصحاب باشخصیت رسول خدا - ص - بود که به مدینه منوره هجرت کرد و در غزواتی همچون بدر، احد و خندق به همراه آن حضرت شرکت نمود. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۳.

۴ - سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۵۳؛ مغازی واقدی، ج ۱، ص ۱۴؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۱۳. بنا بر نقل مغازی عامر بن ربیع سر عکاشه را تراشید و او می گفت نظر واقد و عکاشه این بود که جهت حساس نشدن قریش، باید تغییر قیافه داد لذا آنها سر تراشیدند و شبیه معتمرین گردیدند.

۵ - فتح: ۲۷.

۶ - این واژه در کتب احادیث و فقهی مشهور است و بر کسی اطلاق می شود که اولین سفر زیارت حج اوست.

۷ - گر چه شأن نزول آیه شریفه، عمره مفرده ای است که رسول خدا - ص - در ذی قعدة سال هفتم هجرت بعد از صلح حدیبیه به همراه یاران خود انجام داده است و لکن امام صادق - ع - به عموم آیه شریفه تمسک نموده اند و گویا الغاء خصوصیت کرده اند.

۸ - بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۷، ح ۱۴.

۹ - صحیحۃ معاویه بن عمار با توجه به سلسله روای آن، هم حسن و هم صحیح خوانده شده است.

۱۰ - جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۳۵.

۱۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۵، ح ۱.

۱۲ - مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام، الفاضل الجواد کاظمینی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۱۳ - جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۳۶.

۱۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۵، باب ۷، ح ۳.

۱۵ - بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۱، ح ۴۰.

۱۶ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۹، باب ۸، ح ۴؛ عن جعفر بن محمد - ع - علمها السلام - عن آبائه فی وصیة النبی - صلی الله علیه و آله و سلم - لعلی - علیه السلام - : قال: یا علی لیس علی النساء جمعة - إلى أن قال - ولا استلام الحجر و لالحق.

۱۷ - جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۳۶.

۱۸ - تحریر الوسیله، امام خمینی - ره -، ج ۲، ص ۴۱۳.

۱۹ - خراش بن امیه اهل مدینه منوره بود، در غزوه خیبر و حدیبیه حاضر شد. در حدیبیه پیغمبر اکرم - ص - او را به مکه فرستاد، قبیله قریش شتر او را گرفتند و پاهای شتر را قطع کردند و خواستند او را بکشند که عده ای از قبیله - احابیش - مانع شدند، سپس آزاد شد و به مدینه خدمت رسول خدا - ص - برگشت. اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲۰ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۶، ح ۶.

۲۱ - من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۵ - مسلسل ۱۳۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۷، ح ۱۱.

۲۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۷، ح ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۳۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۴۶، ح ۳۱۸.

۲۳ - صحیح مسلم، ج ۲، باب «تفضیل الحلق علی التقصیر»، ص ۹۴۵؛ صحیح بخاری، ج ۱، باب «الحلق و التقصیر عند الإحلال»، ص ۷۰۲.

۲۴ - صاحب وسائل الشیعه: معمر بن عبدالله را معمر بن عبدالله بن حارثه بن نضر بن عوف... معرفی می کند. ولیکن دیگران گفته اند: او معمر بن عبدالله بن نافع است که در روزهای نخستین رسالت به پیغمبر خدا - ص - ایمان آورد و در زمان مهاجرت از مکه معظّمه به حبشه هجرت کرد و با تأخیر به مدینه منوره آمد و عمری طولانی نمود. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۰۰.

- ۲۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۹.
- ۲۶ - فروع کافی، ج ۴، ص ۵۰۲، ح ۳؛ الحجّ فی الكتاب و السنه، ص ۴۴۵.
- ۲۷ - امام خمینی - ره - به احتیاط واجب باید در منا اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق. آراء المراجع، ص ۳۷۵
- آیة الله العظمی اراکی: به حسب جمع بین روایات ترتیب مستحب است ولی چون شهرت بر وجوب قائم شده، احوط رعایت ترتیب است در صورت امکان. مناسک سه حاشیه‌ای، ص ۳۲۷.
- ۲۸ - بقره: ۱۹۲.
- ۲۹ - اگر چه بعضی از فقها، تهیه قربانی را قبل از سر تراشی یا تقصیر کافی می دانند و می گویند ترتیب مستحب است؛ مانند شیخ طوسی در کتاب خلاف و ابن ادریس در کتاب سرائر. سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۸، کتاب السرائر، ص ۵۵۵.
- ۳۰ - آراء المراجع، ص ۳۸۶؛ مناسک حج، سه حاشیه‌ای، ص ۳۲۶، مسأله ۲۲.
- ۳۱ - کسی که دشمن او را منع از اعمال عمره و یا حج نموده است.
- ۳۲ - کسی بواسطه مرضی و یا مشکل خاصی نتواند اعمالش را به پایان برساند.
- ۳۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۱.
- ۳۴ - التهذیب، ج ۵، ص ۲۴۴، ح ۸۲۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۹۰، باب ۱۰، ح ۱.
- ۳۵ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۲، کتاب الحجّ؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۹، با اختلاف اندکی در تعبیرات و الفاظ.
- ۳۶ - راهنمای حرمین شریفین، ج ۴، ص ۱۵۵.
- ۳۷ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۴۸، ح ۱۳۰۵، باب ۵۶، کتاب الحجّ.
- ۳۸ - مناسک حجّ امام خمینی - ره - با حواشی مراجع عظام، ص ۳۳۵.
- ۳۹ - قرب الاسناد، ص ۶۵؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۲، ح ۱.
- ۴۰ - من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۹؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۴.
- ۴۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۴، باب ۶، ح ۳؛ فروع کافی، ج ۴، ص ۵۰۲، ح ۱.
- ۴۲ - حج: ۲۹.
- ۴۳ - فروع کافی، ج ۴، ص ۵۰۴، ح ۱۲؛ معانی الأخبار، ص ۳۳۹.
- ۴۴ - محجّة البیضاء فی تهذیب الأحباء، ج ۲، ص ۹ - ۲۰۸.

